

عامل خانه وحشت در تهران که با فریب زنان و دختران آنها را مورد تجاوز قرار داده و به اعدام محکوم گردیده بود، مدعی شد حالاکه به آخر خط رسیده می‌خواهد نام قاتل را افاش کند.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده آذر سال ۱۴۰۰ با کشف جسد ناپولن پیچ‌شده دختری ۲۵ساله در کمد خانهای در جنوب‌تهران به جریان افتاد. متهم پرونده

ادعای جدید عامل خانه وحشت

مردی ۳۳ساله به نام سعید بود که با خواهرش در آنچاز زندگی می‌کرد. او هفت دختر و زن جوان را با جعل عنوان پلیس و برای ترک‌اعتیاد برخی از آنها به خانه‌اش کشانده و زندانی کرده بود. یکی از آنها را کشته و برخی موفق به فرار شدند. زمانی که پلیس یا در این خانه گذاشت با دو دختر رویه‌رو شد که چهار ماه در آنچاز زندانی بودند با گذشت نزدیک به یک‌سال ونیم از این ماجرا، متهم همچنان منکر قتل است.

گزارش «جام‌جم» از سفر ۱۲ ساعته قاضی‌القضات به البرز

خدا حافظی با رجایی شهر پس از ۴ دهه



انتقال این زندان از کرج، درخواست سه نماینده مردم البرز در مجلس شورای اسلامی هم بود. رئیس دستگاه عدلیه در جلسه شورای اداری این استان گفت: «زندان رجایی‌شهر که در داخل شهر کرج است باید هر چه زودتر به خارج شهر منتقل شود و محل فعلی آن از وضعیت زندان بودن خارج گردد و اقدامات متعاقب بعدی در قبال آن صورت گیرد.

رئیس دستگاه قضا همچنین در راستای انتقال و تغییر

وضعیت زندان رجایی‌شهر، دستورات مشخصی را خطاب به رئیس سازمان زندان هاورئیس کل دادگستری استان البرز صادر کرد.

رئیس عدلیه در ادامه به موضوع امکان انتقال و تغییر وضعیت زندان قزلقصر نیز که آن هم در داخل محدوده شهری کرج است، اشاره کرد و از مسئولان ذیربط در داخل استان البرز خواست تا در این خصوص، طرح‌ها و پیشنهادهای خود را ارائه کنند.



وقتی بازپرس جنایی برای بازدید از وضعیت زندانیان به آنجا رفته بود، سعید سراغ قاضی پرونده رفت و خواست دوباره وی را به دادسرا منتقل کند.

او گفت حالا که به آخر خط رسیده، می‌خواهد واقعیت را بگوید و نام قاتل را فاش کند. با توجه به این اظهارات قرار شد عامل خانه وحشت برای بازگ کردن ناگفته‌هایش به زودی به دادسرا منتقل شود.

محمد غمخورار
دبیر گروه حوادث

انتقال زندان
رجایی‌شهر بعد از چهار

دهه از استان البرز، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر رئیس دستگاه قضا به استان البرز بود. در این سفر رئیس عدلیه تاکید کرد، احکام قطعی باید سریع اجرا شود و در حوزه حجاب، اساس مسائل فرهنگی را با مسائل فرهنگی حل کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای روز پنجشنبه مهمان استان البرز بود. در این سفر که با توجه به شرایط ماه رمضان، بعد از نماز ظهر آغاز شد رئیس دستگاه قضا سه دیدار با اقشار مردم، قضات و کارکنان دادگستری و اعضای شورای اداری استان داشت. «انتقال زندان رجایی‌شهر به خارج از استان البرز»، «برخورد با بی‌حجابی» و «رسیدگی به معیشت کارکنان» از جمله درخواست‌های مشترکی بود که در این جلسه از سوی کارکنان دادگستری و مسئولان استان مطرح شد.

انتقال زندان رجایی‌شهر از البرز

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای در این سفر قول داد تمام تلاش خود را می‌کند تا زندان رجایی‌شهر به خارج از استان منتقل شود. زندانی که بیش از چهار دهه است در این استان جا خوش کرده و به گفته استاندار البرز محل اجرای مجازات سنگین برای زندانیان دیگر شهرها شده و این موضوع مشکلاتی را در استان ایجاد کرده است.

بگیری

جزئیات پرونده قتل مهدی عمارلویی در نیشابور و بازداشت قاتل

قتل وکیل خوشنام با شلیک موکل دروغگو



لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

باگذشت چند روز از قتل وکیل باگذشت ۲۹ ساله نیشابوری در محل کارش، سرانجام چهارشنبه هفته‌گذشته قاتل در محله گلپهار نیشابور و خانه پدری‌اش دستگیر شد. حرف و حدیث‌ها در مورد علت قتل همچنان ادامه دارد.

برخی می‌گویند بحث مالی بین وکیل و قاتل دلیل قتل بوده، بعضی دیگر پای موضوع ناموسی را وسط می‌کشند، عده‌ای هم با پرس و جوی بیشتر سعی می‌کنند از آن سر در بیاورند. بادستگیری قاتل، سراغ یکی از بستگان بسیار نزدیک مهدی عمارلویی، وکیل خوشنام نیشابوری رقتیم تا از زبان او ماجرا را بشنوم.

زن جوان‌که خود وکیل دادگستری است، با ترس می‌گوید قاتل او را هم مانند عمارلویی به مرگ تهدید کرده و برای همین مایل نیست نامی از او در گزارش برده شود. او ازابتدادر جریان ماجرا بود و حالا بعد جدیدی از آن را برآی روزنامه جام‌جم توضیح می‌دهد: «من پنج شش سال در دفتر آقای عمارلویی بودم و دوره کارآموزی‌ام را همان جا سپری کردم، بعد از مدتی هم مستقل شدم. متهم و آقای عمارلویی همولایتی و مقطع ابتدایی را با هم گذرانده بودند. او ۲۸ ساله است و تا جایی‌که می‌دانم شغل خاصی نداشت وکفاش بود. چون آقای عمارلویی را می‌شناخت، فروردین سال ۱۴۰۰ به دفتر مراجعہ‌کرد و از ما خواست تا پرونده او را پی‌بیزیم و ما هم اعلام وکالت‌کردیم. موضوع پرونده او، گرفتن حضانت فرزندانش از همسر سابقش بود که به دلیل اعتیاد از هم جدا شده بودند. او به ما گفته بود هیچ مشکلی ندارد، معناد نیست و می‌خواهد پیچه‌هایش را پس بگیرد. درحالی‌که خودش حضانت پیچه‌ها را به مادر داده و این را به ما نگفته بود. این مرد دو پیچه داشت که هر دوی به سن قانونی هفت سال رسیده بودند. در ادامه، قاضی درخواست استعالم‌کرد که مشخص شد متهم آدم درست و درمانی نیست و یک سابقه‌دار است. قاضی وقتی متوجه سابقه او شد، گفت صلاحیت تحویل‌گرفتن پیچه‌ها را ندارد. در قانون حمایت از خانواده هم به این نکته اشاره شده در صورتی می‌توان حضانت را از مادر گرفت که پدر صلاحیت نگهداری از فرزند را داشته باشد. اما این فرد صالح نبود و قاضی‌هم بر همین اساس رای صادر کرد که نمی‌توان حضانت پیچه‌ها را به او واگذار کرد. متأسفانه او می‌خواست ما را فریب دهد که حق را ناحق کنیم،»

تهدید به قتل وکیل

آن‌طور که این وکیل توضیح می‌دهد، پس از ابلاغ رای دادگاه، قاتل با ارسال پیامک تلفنی

و شبکه اجتماعی واتس‌اپ آنها را تهدید به قتل می‌کرد: «او چون رای به نفعش صادر نشده بود، به من می‌گفت ابتدا به تو تجاوز می‌کنم و سپس توو عمارلویی را می‌کشم. بعد از تهدیدها آقای عمارلویی گفت تو ما را فریب دادی و من نمی‌توانم به ناحق از ظلم دفاع کنم. تو را نمی‌شناختم و فقط همولایتی بودیم. نمی‌دانستیم سابقه‌دار هستی و قاضی هم با توجه به شرایط رای را صادر کرد. حالا هم فرصت اعتراض داری و اگر می‌خواهی با وکیل دیگری این موضوع را مطرح کن. متهم هم گفت بولم را پس بده که آقای عمارلویی هم حق الوکاله را پس داد. آن مرد با وجود مسترد شدن حق الوکاله باز هم به تهدیدهایش ادامه داد تا آن بالا را سر آقای عمارلویی آورد.» قاتل از این‌که دو وکیل حاضر به ادامه وکالت پرونده‌اش نبودند، به شدت عصبی بود و تصمیم‌گرفت تهدیدش را عملی کند. روز چهاردهم فروردین ۱۴۰۲ بودکه راهی دفتر عمارلویی شد. جایی‌که به‌گفته این وکیل، در مرکز شهر و نقطه بسیار پر رفت و آمد بود و همزمان با او دو مهندس دیگر هم در آن محل کار می‌کردند، اما آن روز در دفتر نبودند. او ادامه می‌دهد: « ساعت ۶ بعد از ظهر همسر آقای عمارلویی با او تماس‌گرفت‌که برای افطار به خانه بیاید. عمارلویی هم‌گفت ارباب رجوع دارد و بعد از انجام کار او به خانه برمی‌گردد.

وقتی خبری از او نشد، همسرش به دفتر رفت. چون خانه و دفترش فاصله زیادی از هم نداشت. وقتی وارد دفتر شد، متوجه شد همسرش را با شلیک گلوله به صورت‌کشته‌اند و گردنش هم شکسته است.

آقای عمارلویی یک اسبری فلفل برای دفاع از خود داشت که به‌گفته همسرش حتی فرصت نکرده بود از آن استفاده‌کند و روی زمین افتاده بود. این‌که گفته شده با جاقو به قتل رسیده است، صحت ندارد. چون دفتر ایشان در طبقه همکف بود، در سالن مشترک همیشه باز بود و متأسفانه آن مرد به راحتی وارد دفتر شده بود. او آن قدر وقیح بود که بدون پوشاندن صورتش آقای عمارلویی را به قتل رساند و یک سلاح با دو خناب هم پر از او کشف شده که البته هنوز نوع سلاح به کار رفته مشخص نشده است. واقعا نمی‌دانیم چرا سراغ وکیل دیگری نرفت و انگار می‌خواست از آقای عمارلویی انتقام بگیرد. « خودکشی نافرجام قاتل

بر اساس اعلام پلیس، قاتل در محاصره ماموران، مقاومت کرد که با شلیک تیر هوایی پلیس مواجه شد و در ادامه با شلیک، خودزنی کرد و به بیمارستان منتقل شد.

عدلیه

ناپدید شدن مرموز زن دوتابعیتی در تهران

دخترشان را نداشتند، از طریق یکی از اقوام خود که در ترکیه ساکن بود، پیگیر سرنوشت او شده بودند.

پس از گزارش ناپدید شدن این زن، ماموران پلیس جنایی به تحقیقات در این رابطه ادامه دادند. مشخص نبود مرد جوان و همسر خارجی‌اش در کجای تهران ساکن بوده‌اند چراکه نام آنها به‌عنوان مسافر در هیچ هتلی ثبت نشده بود. در ادامه جست‌وجوها، چند روز پیش ماموران به سرخه‌های جدیدی دست یافتند که نشان می‌داد مرد ایرانی، به‌تنهایی از ایران خارج شده است. با به‌دست‌آمدن این سرخه احتمال این‌که بلایی سر این زن آمده باشد وجود دارد. بنابراین تحقیقات برای یافتن شوهر او ادامه دارد تا راز سرنوشت همسرش فاش شود.

پرونده‌ای در این رابطه در دادسرای جنایی تهران تشکیل شده و تحقیقات برای راگشایی از ابعاد این پرونده ادامه دارد.

عدلیه

گفت‌وگو با دزد حرفه‌ای خانه‌های شمال تهران

عشق دروازه‌بانی پرسپولیس از من سارق ساخت!



پسر جوان که شیفته گلری تیم پرسپولیس و رسیدن به تیم‌ملی بود با گرفتار شدن در دام دلال قلابی فوتبال، دزد حرفه‌ای خانه‌های تهرانی‌ها شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل بهمن سال گذشته مردی با حضور در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۴ تهران با طرح شکایتی گفت: من و خانواده‌ام مهمانی بودیم و بعد از چهارساعت که باگشتیم با تخریب قفل در خانه با دیلم و به‌هم ریختگی وسایل مان و سرقت ۷۵ میلیارد تومان طلا از خانه‌مان روبه‌رو شدیم. ماموران با شاکي به خانه‌اش رفتند و طی بازبینی فیلم دوربین مدار بسته انجا تصاویر پنج سارق را یافتند که چهره‌های‌شان را پوشانده بودند و بعد از سرقت سوار خودروی پژوی با پلاک مخدوش شده محل ارتکب کرده بودند. در ادامه این تحقیقات افراد دیگری ساکن محله‌های شمال تهران با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کردند که خانه‌های‌شان مورد دستبرد قرار گرفته است. همچنین معلوم شد برخی از این شاکیان زمانی‌که به خانه بازگشته‌اند با سارقان روبه‌رو و با ضربه جاقوی آنها محجوز شده‌اند. اوایل هفته گذشته خودروی مورد استفاده متهمان در جنوب تهران در حالی کشف و توقیف شد که راننده مدعی بود خودرو را چند روز قبل از یک موسسه کرایه کرده است. ماموران سراغ صاحب موسسه رفته که متوجه شدند دو‌مرد به آنجا رفته و طی چند مرحله خودروی مورد نظر را کرایه کرده بودند. همین سرخک کافی بود که آن دو مشتری به عنوان اعضای باند سرقت تحت تعقیب قرار بگیرند. بنابراین شاهین و فرید شناسایی و بازداشت شدند و در ادامه تحقیقات اعتراف کردند سه نفر دیگر عضو باند‌شان بوده و سرکرده مردی ۲۵ ساله به نام شهرام است. بنابراین او و دو همدستش نیز تحت تعقیب قرار گرفتند و بازداشت شدند. متهمان به ارتکاب سرقت‌های سریالی خانه‌ها در شمال و شمال شرق تهران اعتراف کردند.

گفت‌وگو



دلال فوتبال سرم کلاه گذاشت

شهرام ۲۵ ساله کلکسیونر از جرایم در پرونده‌اش دارد. روزی دروازه‌بان بود و حالا به جای رسیدن به گلری تیم ملی، دزد حرفه‌ای خانه‌ها شده است.



اهل فوتبالی؟

بله. از جوانی شیفته دروازه‌بانی بودم. از همان موقع فوتبال را شروع کردم و تا ۲۰ سالگی در تیم‌های زیادی بازی کردم. قرار بود به عنوان گلر به پرسپولیس بروم و بعد به آرزویم که گلری تیم‌ملی بود برسم اما پدرم با مخالفت‌هایش این آرزوها را از من گرفت و زندگی‌ام نابود شد.

بعد چه شد؟

از سر لیجاری با پدرم، قید درس را زدم و گرفتار دوستان ناباب شدم. به خودم که آمدم، دیدم یک دزد زورگیر و یک جیب‌بر حرفه‌ای شده‌ام. چند بار دستگیر شدم و آخرین باهم بابت جیب‌بری یک سال حبس بودم که آنجا با یک دزد خانه‌ها به نام مهرداد آشنا شدم.

چطور سرقت می‌کردید؟

وقتی آزاد شدیم مهرداد با پیشی یک دلال فوتبال برد و او برای این‌که مرا مطرح و به تیم‌های معروف معرفی کند، پنج میلیارد تومان خواست. برای این‌که این پول را جور کنم، مجبور به همکاری با آنها شدم. پنج میلیارد تومان را بالاخره آماده کردم و به آن دلال دادم اما همزمان او و مهرداد ناپدید شدند. خیلی دنبال‌شان گشتم، متوجه شدم مرد دلال و مهرداد دوست بودند و با این نقشه می‌خواستند مرا عضو باند کنند و بعد پول‌هایم را بالا بکشند.

حوادث

تلنگر

ترازوی در کلاس درس

در حادثه‌ای عجیب که ۱۷فروردین امسال و در روستای جنبه‌دراز بخش احمدآباد مشهد

رخ داد، یک دختر دانش‌آموز ۹ساله به‌دلیل گیر کردن سرش در بین نرده کلاس جان خود را از دست داد. حادثه‌ای که باعث‌شده تحقیقات قضایی درمورد بررسی علت دقیق فوت دانش‌آموز و قصور مدیران و مسئولان مدرسه آغاز شود.

صبح چهارشنبه هفته گذشته بود که دختر ۹ساله دانش‌آموز مثل یقینه هم‌کلاسی‌هایش به مدرسه سه‌کلاسه در روستای‌شان رفت اما روحش خبر نداشت آخرین روزی است که قدم به مدرسه‌اش می‌گذارد. روز حادثه وقتی کلاس‌های درس تمام شد، دانش‌آموزان از مدرسه خارج شده و به خانه رفتند اما یک نفر هنوز در مدرسه بود. مدیر مدرسه که تصور می‌کرد همه بچه‌ها رفته‌اند و کسی در مدرسه نیست، ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه بعدازظهر در مدرسه را قفل کرد و رفت.

دختر دانش‌آموز که متوجه خالی‌شدن کلاس و مدرسه شده بود، سعی کرد از کلاس خارج شود اما هیچ راهی نداشت. به‌همین دلیل، یک صندلی زیر پایش گذاشت و به سمت نرده‌های کلاس رفت. سرش را لای نرده‌ها برد تا بتواند کسی را ببیند، صدا یزند یا از کلاس خارج شود. دخترک تلاش می‌کرد از لای نرده‌ها خارج شود اما به گفته محسن داوڑی، فرماندار مشهد ناگهان صندلی از زیر پای دانش‌آموز جدا شد و سر او بین نرده‌ها گیر کرد و یک ساعت تمام در همین حالت ماند.

در شرایطی که دخترک با مرگ و زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، در خانه هم مادر با اضطراب و نگرانی در انتظار بازگشت او بود. عقربه‌ها تند تند جلو می‌رفت اما خبری از دخترک نبود. پس از گذشت مدتی مادر همراه با سایر اعضای خانواده به مدرسه دخترش رفت. پس از رسیدن به مدرسه، داخل را نگاه کردند اما همه‌جا سوت‌و‌کور بود. بعد از مدتی، متوجه دخترک شدند که سرش بین نرده‌ها گیر کرده، صورتش کبود شده و به‌سختی نفس می‌کشید. با سرعت وارد مدرسه شده و سر دخترک را از لای نرده‌ها خارج کردند و او را به خانه بهداشت بردند تا احیا انجام شود.

مجید بیکی، بخشدار احمدآباد مشهد دراین باره گفت: «دانش‌آموز توسط بستگان خود به مرکز جامع سلامت شهری ملک‌آباد منتقل شد اما پراساس اعلام پزشکی کشیک و کادر اورژانس، دانش‌آموز هنگام رسیدن به مرکز بهداشت علائم حیاتی نداشت. عملیات احیا توسط پرسنل اورژانس و کادر مرکز بهداشت به مدت ۵۰ دقیقه انجام شد اما متأسفانه احیای کودک محقق نشد و فوت شد. صحنه حادثه با سازسی شده و افراد دخیل در این خصوص ازجمله مدیر مدرسه مدیر آموزشی‌وپرورش بخش، برای ارائه توضیحات خواسته‌شدند.»

قصاصی پایان دعوای همسایه‌ها

مرد میانسال که پس از درگیری با پیرمرد همسایه باعث مرگ او شده بود، با حکم دادگاه کثیری به قصاص محکوم شد. متهم مدعی است هیچ درگیری با پیرمرد نداشته است. به گزارش خبرنگار جام‌جم، این پرونده سه سال قبل با مرگ مشکوک پیرمرد ۸۰ساله‌ای در غرب تهران آغاز شد. مرد ۵۰ساله‌ای به نام حمید، این پیرمرد را به بیمارستان رسانده بود. او تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: من و مرتضی – متوئل – سال‌ها اختلاف داشتیم. امروزهم در راهروی خانه باهمم گلاویز شدیم که او ناگهان روی زمین افتاد. او را به‌سرعت به بیمارستان رساندم اما فوت شد. این ادعا در حالی مطرح شد که چند نفر از همسایه‌ها در پرس‌وجوی پلیس ادعا کرده بودند، حمید با میله آهنی به سر پیرمرد ضربه زده بود. در ادامه پزشکی قانونی علت مرگ را اصابات جسم سخت به سر مرتضی اعلام کرد و برای او کیشروخواست صادر شد. او به قتل اعتراض کرد. دو تیرنه شد اما با اعتراض دوباره اولیای دم، پرونده به شعبه پنجم دادگاه کثیری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای دم درخواست قصاصی حمید را مطرح کردند. سپس متهم که با قرا وثیقه آزاد بود در جایگاه قرار گرفت و اتهامش را رد کرد و گفت: روز حادثه با چند نفر از دوستانم در پارک نشسته بودیم. مرتضی به سمت ما آمد و بحث را شروع و بعد فحاشی کرد. من از روی نیمیکت بلند شده و پارک را ترک کردم. اما دست بردار نبود و دنبالم می‌آمد. وارد راهروی خانه‌شان شد اما چون لگش چند سال قبل آسیب دیده بود، پایش سر خورد روی زمین افتاد. پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات وارد شور شده و حکم به قصاص او دادند.

